



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۶، بهار ۱۳۹۷

موسی صدر و ساختار شکنی دوگانه فرقه‌گرایی و سکولاریسم: ایده‌های برای وحدت ملی و بین‌المللی کشورهای اسلامی^۱

محمد صدرا^۲

چکیده

وحدت اسلامی مفهومی است که اندیشمندان اسلامی آن را همواره در سایه دوگانه فرقه‌گرایی و سکولاریسم برای حل مشکل استبداد و استعمار ارائه داده‌اند و از این رو در نهایت با ناکارآمدی مواجه شده است. امام موسی صدر با محور قرار دادن مفهوم ادیان در خدمت انسان‌الگویی کارآمد، دموکراتیک و غیرسکولار از مفهوم وحدت را به صورت عملی در جامعه‌ای متکثر ارائه داده و اجرا کرده است. الگویی که می‌تواند در کشورهای اسلامی برای ایجاد وحدت ملی و بین‌المللی استفاده شود. در این مقاله با استناد به آثار برجای مانده از موسی صدر این الگو به اجمال بررسی شده است. **کلیدواژه‌ها:** وحدت اسلامی، فرقه‌گرایی، سکولاریسم، موسی صدر، خدمت به انسان.

۱. مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل یک حکومت اسلامی بر مبنای مذهب تشیع در ایران، مبحث وحدت اسلامی و تقریب مذاهب در راستای سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از پیش اهمیت یافت. گرچه تلاش‌هایی چون احیای دارالتقریب مذاهب اسلامی و اعلام

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱

۲. استادیار دانشگاه زنجان؛ رایانامه: m.sadra@gmail.com



هفته وحدت در همین جهت صورت گرفت ولی تحولات قومی و مذهبی داخلی و ظهور گروه‌های تندروی چون طالبان، القاعده و اخیراً داعش در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نشان داد که کارآمدی چنین اقداماتی رضایت‌بخش نبوده است. از دیدگاه نگارنده، یکی از دلایل اساسی این امر سایه سنگین دو گانه^۳ فرقه گرایی و سکولاریسم بر مباحث مربوط به وحدت اسلامی بوده است.^۴ دو گانه‌ای که کسانی چون شاه ولی‌الله دهلوی آن را مطرح کردند و در مباحث سرسید احمدخان و منتقدان دیگر تحکیم و تثبیت شد و سرانجام از طریق سید جمال اسدآبادی در جهان اسلام گسترش یافت. بدیهی است که برای اینکه مباحث وحدت اسلامی از سلطه این دو گانه مفهومی خارج شود باید به دنبال چهارچوب نظری و مفهومی جایگزینی بود که در عین اینکه در سنت اسلامی ریشه دارند و با مقتضیات عصر جدید سازگارند، بحران‌های ناشی از تفاوت‌های قومی و مذهبی را در سطح میانی (ملی) و بین‌المللی حل کنند. به اعتقاد نگارنده امام صدر به این چهارچوب نظری و مفهومی دست یافته بود و سیاست‌گذاران نظام جمهوری اسلامی می‌توانند به‌عنوان چراغ راه و راهنمایی در سیاست‌گذاری داخلی، منطقه‌ای و جهانی به آن توجه کنند و از آن استفاده کنند.

پیش از پرداختن به الگو و چهارچوب مفهومی ارائه‌شده از سوی امام موسی صدر، ابتدا به‌عنوان مقدمه و زمینه بحث، به اجمال سیر شکل‌گیری دو گانه مفهومی سکولاریسم و فرقه گرایی را در خاستگاه اصلی آن یعنی شبه‌قاره هند و سپس گسترش آن در سراسر جهان اسلام بررسی می‌شود.

۲. وحدت اسلامی: دو گانه سکولاریسم و فرقه گرایی

از لحاظ تاریخی و محتوایی، نزدیک‌ترین اندیشه‌ها به مفهوم وحدت اسلامی مطرح‌شده در قرن نوزده در آرای شاه ولی‌الله دهلوی (د ۱۱۷۶ق / ۱۷۶۲م) دیده می‌شود. در شرایطی که دولت اسلامی هند بعد از اورنگ‌زیب در سرایشی زوال و انحطاط قرار گرفته بود، شاه ولی‌الله جنبشی اصلاحی را آغاز کرد و کوشید بر مبنای اصول فقه مالکی، مذاهب اسلامی را متحد کند. او خود را «قائم‌الزمان» خواند و امرا و فرمانروایان مسلمان نواحی مختلف هند را به اتحاد و جهاد در مقابل قدرت‌های بومی هند و مذهب دعوت کرد (مجتبایی، ۱۳۸۹/۸: ۵۷۷).

سید احمد بارلی یا بریلوی (د ۱۲۴۷ق / ۱۸۳۱م) شاگرد و مرید پسر شاه ولی‌الله، ادامه‌دهنده راه او بود. سید احمد، شدیداً با حاکمیت سیک‌ها و انگلستان مخالفت می‌ورزید. لذا، برای مبارزه و جهاد با آنان قبایل پشتون پاکستان و افغانستان را متحد کرد. او در سال ۱۸۲۷م با لقب

3. Dichotomy

۴. برای آگاهی بیشتر از این دیدگاه در مورد مفهوم وحدت اسلامی ر.ک: صدر (۱۳۹۶).



امام و امیرالمؤمنین حاکمان آسیای مرکزی را به پذیرش و بیعت با خلافت خود فراخواند و هم‌زمان وارد جنگ با سیک‌ها شد (انوشه، ۱۳۸۰: ۴/۱۷۰۶).

در سال ۱۸۵۷م مردم هند از مسلمان و هندو و سیک که از سلطهٔ بیگانه به تنگ آمده بودند، علیه استعمار انگلستان (کمپانی هند شرقی) قیام کردند. این قیام را انگلیسی‌ها به شدت سرکوب کردند (হারدی، ۱۳۶۹: ۹۳). در واکنش به سرکوب این قیام، دو گرایش عمده در میان جامعهٔ مسلمانان پدید آمد: گرایش اول بین علمای پیرو شاه ولی‌الله دهلوی و شاگرد او شیخ احمد بریلوی بود. این گرایش در بُعد سیاسی سعی داشت با محوریت خلافت عثمانی، وحدت مسلمانان را تحقق بخشد. گرایش دوم که در میان نواندیشان مسلمان پدیدار شد به علوم جدید توجه داشت و در رأس آن، اصلاح‌طلبی همچون سرسید احمدخان (۱۲۳۲ ق/ ۱۸۱۷م - ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸م) قرار داشت.

افکار و اندیشه‌های سید احمدخان با شیوهٔ تفکر عمومی مسلمانان هند به‌ویژه با دیدگاه سنت‌گرایان سازگار نبود. به‌ویژه نگاه علمی (پوزیتیویستی) او به دین^۵ موجب شد که علمای سنت‌گرای مخالف، او و همفکرانش را نیچری یعنی طبیعی یا طبیعت‌پرست لقب دهند (صاحبی، ۱۳۸۱: ۷۴۲).

در همین زمان، فردی به نام احمد رضاخان بریلوی ظهور کرد که اهل بانس بریلی، و نه رای بریلی، بود و بریلویه را بنیان‌گذاری کرد که فرقه‌ای از سلسلهٔ قادریه است. احمد رضاخان تلاش کرد در بین دو گرایش موجود، راه سوم و مستقلی ایجاد کند (হারدی، ۱۳۶۹: ۸۳). با این حال، بیشتر به سنت‌گرایان متمایل بود، زیرا او نیز گرایش سلفی داشت و اصول کلی افکار او دربارهٔ دلایل انحطاط مسلمانان و راهکارها و راهبرد وحدت، در پارادایم سنتی قرار می‌گرفت.

به این ترتیب در یک جمع‌بندی کلی، جریان‌ها و اندیشه‌های فکری و سیاسی شکل گرفته در جامعهٔ مسلمانان شبه‌قاره در واکنش به استعمار و سلطهٔ بیگانه و تفرقه و اختلافات دینی و فرقه‌ای داخلی به دو گروه عمده قابل تقسیم‌اند: سنت‌گرا و سلفی‌گرا (بریلوی‌ها، دیوبندی‌ها)؛ نوگرا (سرسید احمدخان).

این دو گرایش در عمل مفهوم وحدت اسلامی را در چهارچوب مفهوم دوگانهٔ فرقه‌گرایی و سکولاریسم مورد توجه و تفسیر قرار داد. به گونه‌ای که در حوزهٔ عمل سیاسی و اجتماعی این انگاره شکل گرفت که برای ایجاد وحدت اسلامی، یا می‌بایست با مرجعیت فرقه‌ای خاص بین مسلمانان وحدت ایجاد کرد یا اینکه گریزی از سکولاریسم نخواهد بود. با ورود سید

۵. اثر شاخص او در این زمینه، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان بانگش و محوریت علوم نوین (پوزیتیویستی) تألیف شده است. این تفسیر اولین تفسیر در نوع خود است و در تفاسیر قرآن بعد از خود تأثیر بسزایی گذاشت.



جمال‌الدین اسدآبادی به هند، این انگاره، از مرزهای شبه‌قاره خارج شد و در سراسر جهان اسلام گسترش یافت.

طی اقامت پنج‌ساله خود در شبه‌قاره هند (۱۳۰۱ق/ ۱۸۸۴م - ۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۹م) به نقد آثار سرسید احمدخان پرداخت و با این کار مجال و فرصتی برای افکار و اندیشه‌های سرسید احمدخان و حتی مخالفان سنت‌گرا و سلفی‌گرای او ایجاد کرد که در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی گسترش یابند.^۶

افکار سید جمال در سال‌های آخر عمر سرسید احمدخان، در میان مسلمانان هند رواج یافت ولی بیش از هند و ایران، افکار و عقاید او بر روی متفکران و اندیشمندان مصر تأثیر گذاشت. سید جمال از سال ۱۲۸۸ ق، به مدت هشت سال، در مصر اقامت داشت (حلبی، ۱۳۸۳: ۵). در این دوره افراد زیادی پای درس‌های او نشستند، اما بی‌تردید، بزرگ‌ترین شاگرد وی شیخ محمد عبده (۱۲۶۶ - ۱۳۲۳ق) بود که به نشر افکار اصلاحی سید جمال پرداخت (مزینانی، ۱۳۷۵: ۱۸۶).

شاگردان عبده به دو جریان عمده تقسیم شدند: جریانی که بر ایجاد جامعه‌ای سکولار تأکید می‌کردند که اسلام را مورد تکریم و احترام قرار دهد بدون آنکه خواهان دخالت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی باشد.^۷ برای نمونه، بعضی معتقدند که آرای قاسم امین درباره زن، تحت تأثیر اندیشه‌های عبده است (کامل ظاهر، ۱۹۹۴: ۱۹۱). جریان دیگر که با سلفی‌گرایی جدید، راه برون‌رفت از رکود و جمود را بازگشت به سرچشمه‌های اصیل دین و ایمان راستین می‌دانست و بر دفاع از اسلام و ارزش‌های آن در برابر نفوذ اندیشه‌های سکولار برآمده از غرب اصرار می‌ورزید. جریانی که رهبری آن را رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵م) عهده‌دار بود که در جنبش اصلاح‌گرای اسلامی رویکردی سنتی داشت.

۶. در همین دوره بود که سید جمال‌الدین توانست مهم‌ترین و منسجم‌ترین اثر خود را در نقد افکار سرسید احمد خان با عنوان رساله نیچریه به رشته تحریر درآورد.

۷. برجسته‌ترین رهبران سکولار در این دوره عبارت بودند از: فرح انطون، شبلی شملی، عبدالعزیز جاویش، احمد فتحی زغلول، احمد لطفی السید، سلامه موسی، نقولاحداد و مصطفی حسنین المنصوری، همچنین قاسم امین، احمد لطفی السید، محمدحسین هیکل و یارانشان در حزب امت. البته باید در نظر داشت که گرایش عبده به سکولاریسم با آنچه که شامیان مسیحی مهاجر در مصر منادی آن بودند، کاملاً متفاوت بود. شاید این تفاوت را بتوان به تفاوت بین دو قرائت انگلوساکسون و فرانسوی از این مفهوم مانند کرد. تفاوت این دو نوع سکولاریسم در این است که در سبک فرانسوی امور دین و دولت صرفاً از یکدیگر جدا نیستند، بلکه دولت همواره تلاش می‌کند که نهاد دین را در سیطره خویش داشته باشد. اما در سبک انگلوساکسونی، کار نهاد دین و نهاد دولت از یکدیگر جداست و معمولاً جز در موارد استثنایی هیچ‌یک از این دو نهاد تلاش نمی‌کنند روی یکدیگر تأثیر بگذارند. طبیعتاً دولت در چنین جوامعی امکان این را ندارد که از بروز احساسات مذهبی و انجام شعار دینی مردم جلوگیری کند.



این دو تفسیر از اندیشه‌های سید جمال و عبده، اساس ایجاد دو گانهٔ رادیکالیسم و سکولاریسم در رابطه با مفهوم وحدت اسلامی و حل معضل و مشکل عقب‌ماندگی و انحطاط جوامع اسلامی است. به عبارت دیگر، با ایجاد و توسعهٔ این دو تفسیر در رابطه با مفهوم وحدت اسلامی در حوزهٔ اندیشه و عمل اندیشمندان مسلمان، در دانش اجتماعی و سیاسی از رابطهٔ دین و جامعهٔ متکثر، این تصور توسعه و تعمیق یافت که برای اجتناب از افتادن در دام فرقه‌گرایی و خشونت‌های مذهبی دو رویکرد وجود دارد: ۱. دین و عقاید دینی و مذهبی را از عرصهٔ عمومی جامعه دور کرد و در حوزهٔ فردی و خصوصی منحصر و محصور کرد؛ ۲. با تکیه و تأکید بیش از حد بر عقاید مذهبی و دینی با مرجعیت بازگشت به گذشته و سلف، در نهایت به نوعی خشونت مشروع و خطرناک‌تر رسید. در اولین رویکرد، اثری از اسلام نمی‌ماند و در دومی اثری از وحدت. با این اوصاف هر دو رویکرد که هدف آن‌ها رسیدن به وحدت اسلامی و حل معضل انحطاط و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی است، از رسیدن به آن محروم و به نتیجه‌ای عکس منجر می‌شوند.

مهم‌تر از این‌ها سیطرهٔ این دو گانهٔ مفهومی و سایهٔ سنگین آن بر مباحث مربوط به وحدت اسلامی بود. به گونه‌ای که هر شخص یا گروهی که داعیه‌دار وحدت در جهان اسلام در سطح ملی یا بین‌المللی می‌شد، در گرداب و مغناطیس دو گانهٔ رادیکالیسم و فرقه‌گرایی قرار می‌گرفت. این امر نیاز روزافزون به خروج از این پارادایم و ارائهٔ یک چهارچوب مفهومی جایگزین را بیش از پیش آشکارتر می‌کرد. نیازی که امام موسی صدر (۱۳۰۷ ش - ناپدید شده در ۹ شهریور ۱۳۵۷ در لیبی) با ابتکار عمل شخصی و تجربهٔ میدانی خویش، چهارچوبی مفهومی و الگویی اجرایی برای آن ارائه کرد.

۳. موسی صدر

موسی صدر در سال ۱۳۰۷ شمسی در خانواده‌ای اهل علم در قم به دنیا آمد. پدر او مرحوم آیت‌الله سید صدرالدین صدر از مراجع زمان خود بود. صدر در سال ۱۳۲۲ رسماً به حوزهٔ علمیهٔ قم و بعدها حوزهٔ علمیهٔ نجف وارد شد و تا سال ۱۳۳۸ از علما و مدرسان بزرگ این دو حوزه استفاده کرد. او در کنار تحصیلات حوزوی، دروس دبیرستان خود را نیز به اتمام رساند. در سال ۱۳۲۹ به دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۳۲ در رشتهٔ «حقوق در اقتصاد» فارغ‌التحصیل شد.

در سال ۱۳۳۸ به دنبال توصیهٔ حضرات آیات بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل یاسین و طبق وصیت مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین رهبر متوفای شیعیان لبنان به عنوان جانشین آن مرحوم، عازم لبنان گردید. پس از ورود به لبنان و آشنایی با وضعیت شیعیان،



از اواسط سال ۱۳۳۹ برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدتی را برای محرومیت‌زدایی طراحی و اجرا کرد. در همین راستا تا سال ۱۳۴۸ ضمن تجدید سازمان جمعیت خیریه «البر و الإحسان»، در چارچوب برنامه‌ای میان‌مدت، ده‌ها جمعیت خیریه و مؤسسه فرهنگی و آموزش حرفه‌ای را راه‌اندازی کرد. در کنار این فعالیت‌های رفاهی و اجتماعی، در حوزه سیاسی نیز مجلس‌اعلای اسلامی شیعیان و جنبش محرومان لبنان را به ترتیب در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۳ تأسیس کرد.

فتوای او مبنی بر طهارت اهل کتاب او را بیش‌ازپیش به محافل مسیحی لبنان نزدیک کرد. لذا در پی دعوت از او، صدر به عضویت هیئت‌امنائی «جنبش حرکت اجتماعی» درآمد و متعاقب آن، از سال ۱۳۴۱ حضور گسترده‌ای در مجامع دینی و فرهنگی مسیحیان آغاز شد.

در جریان حرکت انقلابی مردم ایران با دستگیری امام خمینی در سال ۱۳۴۲، صدر از طریق واتیکان و الأزهر، شاه را برای آزادی امام، تحت فشار قرار داد. همچنین با تبعید امام به ترکیه در سال ۱۳۴۳، اقدامات مشابهی برای تأمین امنیت امام و ترتیب انتقال ایشان به عتبات عالیات انجام داد. او در بهار ۱۳۵۷ با فرستادن لوسین ژرژ نماینده روزنامه لوموند در بیروت به نجف اولین مصاحبه بین‌المللی با امام را برای آشنایی افکار عمومی جهانیان با انقلاب اسلامی ترتیب داد و متعاقب آن در شهریور ۱۳۵۷ مقاله‌ای با عنوان «ندای پیامبران» در روزنامه لوموند، درباره انقلاب اسلامی تألیف کرد. در نهایت، صدر در روز ۳ شهریور سال ۱۳۵۷ با دعوت رسمی معمر قذافی وارد لیبی شد و در روز ۹ شهریور ربوده شد.^۸

طی سال‌های اقامت و فعالیت صدر در لبنان، او موفق شد در دوره حاضر و در یک جامعه مشکل از مذاهب و قومیت‌های مختلف الگویی عملی، تاریخی و قابل دسترس از وحدت ارائه کند. تجربه موفقیتی که از متن سنت اسلامی برخاسته بود و در عین حال به لحاظ نظری امروزه یکی از مباحث مطرح در حوزه سیاسی اجتماعی است.^۹ در ادامه ویژگی‌های این الگو با استناد به آثار برجای‌مانده از او مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. ۱. نگاه مثبت به اختلاف بین فرق و مذاهب

یکی از کلیدی‌ترین و راهبردی‌ترین ویژگی‌های اندیشه امام موسی صدر در ارتباط با مفهوم وحدت ادیان و مذاهب در مقایسه با سنت فکری تا زمان او، نگاه مثبت او به مسئله اختلاف میان ادیان و به‌ویژه مذاهب است. از نظر صدر، با اینکه «ادیان همه یکی هستند» ولی این به

۸. برای آگاهی تفصیلی از زندگی‌نامه و فعالیت‌های صدر و مستندات بیشتر رک: اباذری (۱۳۸۱)، هیئت‌رئیس جنبش امل لبنان (۱۳۹۳).

۹. برای آگاهی از کلیت مباحث مطروحه در این حوزه برای نمونه رک: حسینی بهشتی (۱۳۸۰).



معنای «مساوی و برابر بودن» آن‌ها نیست. «در اجرای آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد، ولی این نشانه تناقض نیست، بلکه حاکی از بالندگی و رشد در تصورات است» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۵۳). در مورد مذاهب اسلامی نیز صدر معتقد است که: «... مذاهب اسلامی ... راه‌هایی هستند برای رسیدن به اسلام و درک ابعاد آن و انجام شعائر آن و اجتهاد برای پیاده کردن احکام آن به شکلی دائمی و مترقی. این تفاوت‌ها، در چارچوب خود، نه تنها وحدت مسلمانان را برهم نمی‌زند، که راه اجتهاد را برای آنان هموار می‌کند ... تا پاسخ‌گوی نیازهای فزاینده و گوناگون همه عصرها باشد. این یکی از معانی این سخن رسول خدا (ص) است که: *اِخْتِلَافٌ اُمَّتِي رَحْمَةٌ*» (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

از نظر صدر، دلیل این اختلافات و تکثر در مذاهب، مزیت و توان بالقوه قرآن به عنوان منبعی فراتاریخی در اتصال به منبع لایزال الهی است که امکان ارائه پاسخ‌های مختلف و متفاوت را در شرایط زمانی و مکانی مختلف فراهم می‌کند. او در این باره بیان می‌کند: «این حقیقت که قرآن سخن خداوند است، به آن معناست که امکان فهم جدید از این سخنان وجود دارد، چرا که گوینده آن‌ها حد و نهایی ندارد ... و این برداشت جدید ما نیز مقصود خداوند بوده است و همان چیزی است که برای ما خواسته. تکامل و پیشرفت انسان، در پرتو فهم او از این سخنان و عینیت بخشیدن به این فهم تحقق می‌یابد» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۵۸).

به این ترتیب، صدر از سویی چون نوگرایان، سعی دارد از طریق بازخوانی و تفسیر نص با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی (تاریخی) قابلیت آن را برای پاسخ‌گویی به مسائل روز به فعل در آورد و از سوی دیگر با قرار دادن این تفاسیر در چهارچوب و در ارتباط معنایی با مفهوم «اجتهاد»، می‌خواهد این بازخوانی‌ها و تفاسیر را در چهارچوب سنت و روش خاص مرسوم مذاهب قرار دهد و از دایره مفاهیمی چون «بدعت» خارج کند.

۲.۳. آشنایی با شرایط عصر جدید (جهانی و منطقه‌ای)

یکی از ویژگی‌های صدر، درک مقتضیات جهان در عصر جدید و از سویی دیگر وقوف او به امکانات و توان دین در پاسخ‌گویی به نیازهای بشر معاصر و حل مشکلات اوست. از نظر او، در عصر جدید، موقعیت بسیار دشوار است زیرا تمدن بشری پیشرفت چشمگیری داشته است و فناوری نیز با شتاب در حال پیشرفت است و انسان را به تفکر و برنامه‌ریزی فرا می‌خواند. با گسترش دامنه علم و تجربه‌های بشر در زمینه حقوق و قوانین و تنظیم مناسبات رقابت میان انسان‌ها و ارزیابی نظام‌های اجتماعی گوناگون، درک انسان از کمالات اخلاقی و ارزش‌های متعالی و حتی بُعد ماوراءالطبیعه کامل‌تر شده است (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۳۴). با تغییر و تعمیق نگاه انسان امروزی به مسئله معنویت، موقعیت دین نیز در جامعه جهانی اهمیت



پیدا کرده است.

صدر در چهارچوب این درک از موقعیت بشری و به تبع آن، موقعیت دین در جامعه جهانی، به مکان و موقعیتی که در آن قرار گرفته نیز کاملاً واقف است. لذا بیان می کند که: «لبنان صاحب فرهنگ و تمدنی است که از تمدن های متنوع و فرهنگ های مختلف و اندیشه های گوناگون بهره گرفته است. از این رو، لبنان محل التقا یا نمایشگاهی از همه این تمدن ها است؛ در آینه تمدن لبنان می توان تجربه های میلیون ها و میلیارد ها نفر از افراد بشر را دید.» (صدر، ۱۳۹۵: ۳۶۷). با توجه به موقعیت جهانی و منطقه ای که لبنان در آن قرار دارد از نظر صدر «از این رنگارنگی و تنوع هم می توان در جهت تفرقه و پراکندگی جامعه سوداگری کرد، و هم می توان از آن در مقام پایگاه هایی برای تعاون و همیاری سود جست.» (صدر، ۱۳۹۵: ۳۶۷).

۳.۳. فرقه گرایی منفی

از نظر صدر، آنچه مانع سود جستن از تكثر آرا و مذاهب می گردد، «فرقه گرایی منفی» است. اگر فرقه گرایی در نهایت به تفرقه و جدایی و ضعف در حوزه عمومی و جامعه منجر شود، فرقه گرایی منفی است. «بنابراین، خطر در تعدد فرقه ها نیست، بلکه خطر در جایی است که تعدد فرقه ها سمت و سویی منفی پیدا می کند» (صدر، ۱۳۹۵: ۳۸۲).

صدر سوء استفاده های سیاسی از مذاهب را یکی از عوامل اصلی فرقه گرایی منفی می داند (صدر، ۱۳۹۵: الف: ۱۶۵). او ابتدا سیاست را به سیاست اسلامی^۱ و سیاست غیر اسلامی تقسیم می کند و منظور خود را از سوء استفاده سیاسی از مذاهب «دخالت های غیرمسلمانان، یعنی استعمارگران و نویسندگان غرض ورز و برخی شرق شناسان و حاکمانی می داند که از اختلاف میان مسلمانان و ایجاد دشمنی ساختگی در درون امت همچون ابزاری، برای تحکیم موقعیت و تقویت شکوه و قدرت خود سوء استفاده می کنند... کسانی که با فرقه گرایی تجارت می کنند، رواج کالای خود را در جنجال آفرینی می بینند» (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

«ورود عناصر غیردینی همچون نادانی، فرصت طلبی و سیاست ورزی» و نیز عدم توانایی توده های مردم در استفاده از گوناگونی مذاهب در جهت غنای امت، عواملی برای ناسازگاری و بدگمانی و تردید و ایجاد بیزاری و دشمنی یا حداقل جدایی و دوری مذاهب از یکدیگر می شود (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۴). این دوری باعث بی اعتمادی بین مذاهب و خودداری آنها از همکاری و همیاری با یکدیگر شده، به مذاهب ابعادی بیش از حد واقعی شان می دهد و به جای

۱۰. سیاست به معنای درست آن، یعنی تدبیر امور مردم، جزء ارکان اصلی هر نظام است. و می دانیم که اسلام نیز، نظام اجتماعی تکامل یافته ای دارد. از این رو، نمی توان از سیاست به معنای حقیقی آن انتقاد کرد» (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۴).



اینکه این مذاهب وسیله به حساب آیند، خود هدف تلقی می‌شوند (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۷۳؛ صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۴).

هدف قرار گرفتن مذاهب باعث ایجاد تعصب و فرقه‌گرایی می‌شود زیرا در این حالت مذاهب ماهیتی چون احزاب پیدا می‌کنند. از نظر صدر، «از این لحاظ بین فرقه‌های مذهبی و احزاب فرقی وجود ندارد» (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۸۲). تشبیه و مقایسه مذاهب اسلامی با احزاب سیاسی برخلاف کسانی که درست عکس این استدلال را دارند،^{۱۱} این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که اختلافات موجود بین مذاهب اسلامی از جنس اختلاف در تفاسیر و قابل مصالحه و حل شدن است.

صدر دامنه این مصالحه را تا حوزه حاکمیت و مفهوم ولایت و خلافت گسترش می‌دهد و می‌گوید: «ولایت در حال حاضر برای حاکم صالح است که جامعه‌ای صالح را براساس کتاب خدا و سنت رسول (ص) و اهل بیت تشکیل می‌دهد. ضرورتی هم ندارد که این حاکم از میان ائمه باشد، بلکه مهم این است که مسلمانان برای برپایی حکومت اسلامی اتفاق نظر داشته باشند و دیگر اختلافی در مورد اصل ولایت نیست. از طرفی، دلیل شرعی وجود ندارد که ما را ملزم به شکلی خاص از اشکال حکومت کند. اما در چارچوبی که حفظ اساس اسلام را اصل کلی بداند، دستان در انتخاب ساختار حکومت باز است و آنگاه که به نظامی اسلامی دست یافتیم، شیعه و سنی این نظام را حمایت خواهند کرد. اما مسئله جانشینی پس از پیامبر بحثی فکری است که می‌توان آن را در محدوده مباحث فکری مطرح کرد و این نباید مانع ارتباط و همبستگی شود» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۷۳).

به این ترتیب، صدر می‌کوشد بحث «ولایت» و «امامت» و «خلافت» در دو تفسیر عمده شیعیان و اهل تسنن را از حوزه عملی و سیاسی جدا کند تا این مصالحه و وحدت را به حداکثر برساند. نقطه عطف و تمرکز او در این کار نبود دلیل شرعی بر الزام مسلمانان به شکل خاصی از اشکال حکومت است که به طور طبیعی می‌بایست مبتنی بر اجتهاد او در حوزه فقه سیاسی مذهب تشیع باشد.

اگر مذاهب همچون احزاب هستند و می‌بایست در خدمت دین اسلام باشند، پس، «اوج متعهد بودن به مذهب در این است که بعد و حد واقعی مذهب را برای آن قائل باشیم و در آن زیاده‌روی نکنیم» (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۲) و از توان این مذاهب در جهت بازگرداندن نقش دین اسلام به جامعه انسانی استفاده نماییم.

۱۱. برای نمونه رک: شبیری زنجانی (۱۳۹۶).



۳. ۴. نقش دین و ایمان در جامعه

سؤال اصلی صدر در این رابطه این است که نقش دین در زمان و شرایط حاضر چیست؟ (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۳۶). صدر به منظور رسیدن به پاسخ این سؤال ابتدا با دیدی انتقادی نقش دین در زمان خویش را به تابلویی زیبا اما بی روح مانند می کند که در دل دین دار پرتو نوری نمی تاباند و در بهترین حالت همچون یک آرام بخش در هنگام مواجهه با رنج ها و سختی ها عمل می کند. از نظر او دین در کاروان تمدن جدید، نقش رهبری ندارد و منفعل است (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۳۶). او معتقد است برای بازیابی نقش دین در جامعه اسلامی باید آن را به گونه ای ارائه کرد که پاسخگوی نیازهای فزاینده عصر حاضر باشد. یعنی با زبان روز و به شیوه ای علمی در مقابل تجربه های خرد تا بدین وسیله در کاستن از مشکلات جهانی و ارائه راه حل های موفقیت آمیز و تأثیر گذار مشارکت کرد (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

تأکید صدر بر ارائه آموزه های دینی در مقابل تجربه های خرد از آن رو است که او به تجربه دریافته بود که طرح اهداف و راهبردهای بلندمدت، در دنیایی که سیر تحولات در آن بسیار سریع است و نیازمند نوعی واقع گرایی و عمل گرایی است به تنهایی و به سرعت مشکلات حیاتی را حل نمی کند (صدر، ۱۳۹۶/۵: ۱۳۷). چنین تجربه ای همان گونه که قبلاً اشاره شد، از سویی حاصل وقوف بر شرایط عصر جدید و روند سریع و پیچیده زندگی در آن و لزوم برنامه ریزی مستمر و عمل گرایانه در مقابل مقتضیات روز و از سوی دیگر درک درست از توان بالقوه دین در حل معضلات و مشکلات بشری و نیاز روزافزون بشر به آن در عصر جدید است.

صدر بیان می کند که «تنها وسیله کامل برای فراخواندن همه نیروهای بشر، از جمله طراحی و تنظیم زندگی برای بخشش و سازندگی، دین است». او در ادامه توضیح می دهد که «... وقتی که می گوئیم سازندگی دینی، مقصود ما تنها ساخت مسجد و کلیسا نیست. در بخشش دینی هم مقصود ما تنها نماز و روزه نیست. منظور ما هر آن چیزی است که برآمده از تمدن انسان و نقش انسان در زندگی باشد و هر چیز که از نتیجه فعالیت انسان در مدت زندگی اش باشد. این اعمال هرگاه به نیت صحیح صورت گیرد، آن را عبادت و سازندگی و عمل مقبول در گاه خداوند می نامیم» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۴۴).

در این سخن، صدر با بازتعریف و توسعه مفهوم «عبادت» در سنت دینی، دین و آموزه های دینی را در سراسر اعمال انسان در حوزه خصوصی و به ویژه اجتماعی ساری و جاری کرده، آن را با مفهوم زندگی گره می زند. او چنین کاری را با استفاده از توسعه مفهوم قرآنی و اسلامی «نعمت» انجام می دهد. لذا در همین زمینه بیان می کند که «از جمله آموزش های اسلامی که براساس حرمت و کرامت انسان بنا شده، عبارت است از اصل



قداست بخشیدن به کل نیازمندی‌های انسان. اسلام به جمیع این نیازمندی‌ها اذعان کرده و آن‌ها را در شمار نعمت‌های الهی قرار داده و احکام خود را برای هدایت و برآوردن این رغبات و تمایلات وضع کرده است» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۹۷).

همان گونه که مشاهده می‌شود، صدر با مفصل‌بندی دو مفهوم «عبادت» و «نعمت» در گفتمان دینی، کلیه فعالیت‌های انسانی را در حوزه خصوصی و به‌ویژه عمومی در چهارچوب دین قرار می‌دهد و صبغه و رنگ دینی بدان می‌بخشد (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۶) و می‌گوید: «[اسلام] نیز اذعان دارد که کوشش برای پاسخ‌گویی به تمایلات، به‌صورت مشروع، عبادت است. تجارت و کشاورزی و کارهای عمرانی و ساختمانی عبادت است. تلاش و کوشش برای طلب روزی حلال جهاد است. درست انجام دادن کارها عبادت است. ازدواج هم عبادت است...» (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۹۷).

به این ترتیب، او با کامل کردن ارتباط زمین (زندگی) با آسمان (دین)، در نهایت نتیجه می‌گیرد که: «زمین را درست و کامل می‌سازیم، ولی به فرمان آسمان: «و ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۴۵).

۳. ۵. دوگانه فرقه‌گرایی و سکولاریسم

با کامل کردن حلقه ارتباط بین دین و زندگی، حالا دیگر صدر قادر بود دو گانه سکولاریسم و فرقه‌گرایی را به راحتی بشکند و مباحث مربوط به مفهوم وحدت اسلامی را از دام آن دو برهاند. از نظر او برای این کار می‌بایست مفاهیم دینی را از نو مورد بازخوانی قرار داد. به عقیده او بعد از اینکه دانستیم مصائب امروز ما به سبب دین نیست و فرقه‌گرایی موجود از آثار دین نیست، «در این صورت، چرا مردم را به سوی دین‌گرایی در زندگی با روش درست دعوت نکنیم؟ چرا دعوت به سکولاریسم نکنیم؟» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۴۹).

صدر با هوشمندی، سکولاریسم را نتیجه یک واکنش غیرعقلانی ناشی از فریب و کژتابی فکری ناشی از عدم توجه به واقعیت‌های تاریخی می‌داند. از نظر او روند دین‌ستیزی موجود در عصر حاضر نتیجه فریب خوردن ما از کردهای ارائه شده از دین است. حال اگر از موقعیتی که در آن هستیم رضایت نداریم، باید مواظب باشیم که تحت تأثیر محیط قرار نگیریم و ناخواسته افراد را به خالی کردن دین از زندگی زمینی‌شان دعوت نکنیم (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۴۹).

صدر معتقد است که تنها عاملی که می‌تواند علاوه بر سکولاریسم با فرقه‌گرایی نیز مقابله کند، همان دین است، زیرا «... جرئت دین برای جلوگیری از فرقه‌گرایی سیاسی و معامله بر سر خدا و مقدسات، از هر نیروی دیگری بیشتر است. دین بهترین راه برای بیدار



کردن احساسات انسانی و شعله‌ور کردن آن بین ما است» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۵۴). در هر صورت و به‌طور خلاصه برای مقابله با فرقه‌گرایی و سکولاریسم، از نظر صدر باید نقش دین در زندگی بشر را تقویت کرد زیرا «اگر جلوی تأثیر دین را در کارهای روزمره و روابط بشری بگیریم، ایمان ضعیف می‌شود و ضعف آن موجب می‌شود دین انگیزش و اثرگذاری خود را از دست بدهد و در پی آن نقشش را در زندگی نیز از دست بدهد. اگر دین نقش خود را در زندگی از دست بدهد، دیگر نه با توسعه دادن مسجدها و کلیساها، نه با بزرگداشت شعارهای دینی و نه با محترم داشتن بزرگان دین نمی‌توان جای آن را پر کرد، چرا که دین هیچ کدام این‌ها نیست... در نتیجه، اگر بخواهیم از ایمان محافظت کنیم، لازم است که ایمان به کار بپردازد» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۵۰).

به کار پرداختن ایمان، توجه به جنبه کاربردی ایمان در حوزه عمومی برای افزایش تأثیر و حفاظت از آن، از تعابیر صدر است. توجهی که در نهایت از درون آن دال مرکزی اندیشه صدر برای وحدت ادیان بیرون می‌آید. این مفهوم کلیدی همان مفهوم «خدمت به انسان» است که صدر آن را وظیفه همه ادیان می‌داند.

۶.۳. وحدت ادیان در خدمت به انسان

پیشنهاد و ایده اصلی صدر برای محافظت از ایمان و افزایش تأثیر آن در زندگی روزمره و بازگرداندن نقش دین به جوامع انسانی، از طریق وحدت ادیان و مذاهب، حول محور «خدمت به انسان» شکل گرفته است. صدر با بازخوانی هدف وجودی ادیان و تغییر آن از «حفظ و صیانت از خود» به «حفظ و صیانت از انسان»، سعی می‌کند ضمن تعریف و تعیین هدفی مشترک برای ادیان و مذاهب و استفاده از توان و نقش سازنده آنها در زندگی بشر، بین آنها وحدت، همدلی و همکاری ایجاد کند.

از دیدگاه صدر اگر بعد آسمانی ایمان درک و همت و آرزوهای نامتناهی به انسان می‌دهد و نگرانی‌اش را برطرف کرده، او را امیدوار نگه می‌دارد و با دیگر انسان‌ها و موجودات هماهنگ می‌سازد؛ بعد دیگر این ایمان، صیانت و حفاظت از انسان را واجب می‌داند و تأکید دارد که ایمان بدون التزام به خدمت انسان، ایمان نیست. باید همه نیروهای انسان و نیروی همه انسان‌ها را حفظ کرد و توسعه داد (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۷).

از نظر صدر خدمت به انسان و التزام آن با ایمان نقطه مشترک همه ادیان و مذاهب است زیرا نقطه آغاز همه آنها، یعنی خدا، هدف آنها، یعنی انسان و بستر تحولات آنها، یعنی جهان هستی، یکی است. آنها در خدمت هدفی واحد یعنی دعوت به سوی خدا و خدمت به انسان هستند. این دو، کردهای حقیقتی یگانه‌اند (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۴).



به این ترتیب، صدر با استفاده از مفهوم «خدمت به انسان» به عنوان هدف اصلی همه ادیان، مفهوم «وحدت اسلامی» خود را در قالب مفهوم «وحدت ادیان» گسترش می دهد. او با این کار علاوه بر ایجاد وحدت بین ادیان و مذاهب، از نیروی اجتماعی آن ها در جهت حضور فعالشان در حوزه عمومی سود می جوید و به این وسیله دو گانه مفهومی سکولاریسم و فرقه گرایی را درهم می شکند.

صدر برای تکمیل شبکه مفهومی خود حول محور «وحدت ادیان» و «خدمت به انسان»، تلاش می کند میان مفاهیم «تفرقه و اختلاف» و «شرک» ارتباط ایجاد کند. به همین منظور، او بیان می کند که منشأ بروز اختلاف و تفرقه میان ادیان و به تبع آن، مذاهب (همان گونه که قبلاً به آن اشاره شد)، توجه هر دینی به خود بوده است. ادیان آن قدر در پی خدمت به خویشان برآمدند، که هدف اصلی که خدمت به انسان بود، تقریباً به فراموشی سپرده شد: «و چون هدف را فراموش کردیم و از خدمت انسان دور شدیم، خدا هم ما را به حال خود گذاشت و از ما دور شد و ما به راه های گوناگون رفتیم و به پاره های مختلف بدل گشتیم و جهان یکتا را تقسیم کردیم و در پی خدمت به منافع خاص خود برآمدیم و معبودهای دیگر، غیر خدا، را برگزیدیم و انسان را به نابودی کشانیم» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۵).

بنابراین صدر با برقراری ارتباط بین مفاهیم «ایمان به خدا»، «خدمت به انسان»، «تفرقه و اختلاف»، «شرک»، «اعمال اجتماعی» و «عبادت»، یک چهارچوب مفهومی ایجاد می نماید که در آن، فرد متدین و باایمان با انجام اعمال عبادی به ویژه در بعد اجتماعی آن در چهارچوب مفهوم گسترده «خدمت به انسان» ضمن تقویت پایه های اعتقادی و ایمانی، در قالب ایده ای مشترک، ارتباط و انس و الفت خود را با دینداران سایر ادیان مستحکم می کند.

۳.۷. عمل انسان حافظ عقیده و سازنده جامعه و تاریخ

اهمیت محوری و بنیادین مفهوم «خدمت به انسان» در چهارچوب مفهومی صدر و برابری آن با دعوت ادیان به اطاعت از خداوند به دلیل جایگاه خاص و یگانه انسان به عنوان «خليفة خدا بر روی زمین، غایت هستی، آغاز و هدف جامعه» است (صدر، ۱۳۸۳: ۱۷، ۷۳). از سویی دیگر، از نظر صدر چنین انسانی «برابر است با مجموع نیروها و توانایی هایش» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۷) زیرا در آموزه های اسلامی، عمل انسان صریحاً مورد توجه است و تنها معیار وصول به سعادت و شقاوت محسوب می شود و تقسیم جوامع بشری و امت ها با این اعتقاد که «ما فرزندان خداوند و عزیزان او هستیم» آشکارا با توحید حقیقی در تنافی و تضاد است (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۸۶).



با کنار هم گذاشتن این دو پیش‌فرض که هدف ادیان انسان است و انسان یعنی توانایی‌های او، صدر نتیجه می‌گیرد که «هرقدر توانایی‌های انسان را محترم بداریم و از آن‌ها حفاظت کنیم، به همان اندازه او را تکریم و جاودانه کرده‌ایم» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۷).

از دیدگاه صدر، انسان جامعه و تاریخ را می‌سازد پس «تنها قهرمان صحنه تاریخ» و موتور تحریک و تحول آن است (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۸۸). هم از این رو است که اسلام مسئولیت بنای جوامع، انواع و تفاوت آن‌ها، مقررات و نیز مشکلاتی را که در این جوامع عارض می‌گردد، فقط بر عهده و مسئولیت انسان نهاده است (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۸۷، ۹۰). صدر عقیده دارد که عمل انسان از زاویه دیگری نیز مورد توجه اسلام است. اسلام در عین اینکه عمل را ابتدائاً از نتایج عقیده می‌داند، در چارچوب آثار و نتایج گوناگون آن، حافظ عقیده نیز به شمار می‌آورد (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۹۰).

با این تفصیل، بدیهی است که در اندیشه صدر، انسان یک سرمایه جهانی و ملی است و «باید همه نیروهای انسان و نیروی همه انسان‌ها را حفظ کرد و توسعه داد» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۸). بر همین اساس، در سطح ملی نیز صدر معتقد است که سرمایه انسانی تنها ثروت هر کشوری است. انسانی که در طول تاریخ با توانایی‌ها و خواسته‌ها و اقدامات بی‌باکانه‌اش سبب آبادانی و وطنش و شکوفایی تمدنش بوده است. بنابراین هر نوع حکومت و تلاشی که ممکن است به از میان بردن این توانمندی‌ها و احتکار فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و تمدنی بینجامد، خطری جدی برای آن کشور و ملت خواهد بود (صدر، ۱۳۹۶: ۱۳۷؛ صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۲).

البته صدر در عین برجسته کردن نقش فرد و اختیار او از طریق عمل او در ساخت اجتماع و تاریخ، این را ضروری می‌داند که «توجه کنیم چگونه اعمال و اخلاق و باورهای انسان تحت تأثیر جامعه خویش و فعل و انفعالات محیط قرار می‌گیرد» (صدر، ۱۳۸۳: ۹۴). «انسان خود نیز متحول می‌شود و حرکت می‌کند و این تعامل او با جهان، پیوسته استمرار دارد.» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۸۸).

۳.۸. توجه هم‌زمان به فرد (آزادی) و جمع (عدالت)

صدر، به تبع اندیشه خود مبنی بر توجه به تعامل فرد و اجتماع، ساختار و ویژگی‌های سیاسی - اجتماعی جامعه‌ای که بتواند از انسان و توانمندی‌های آن صیانت کند را چنین توصیف می‌کند: «چنین جامعه‌ای هیچ‌گاه به فردگرایی مبتلانه خواهد شد، زیرا جوامع فردگرا یکی از ابعاد اساسی وجود انسان را که همان بُعد اجتماعی زندگی انسان است، به دست فراموشی



می‌سپارند و زمینه‌رشد ابعاد منفی وجود انسان را که نشئت گرفته از کشمکش‌های شری‌ر فرد و به اصطلاح انانیت فردی و در تعبیر قرآنی «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» است، تقویت می‌کنند ... در چنین وضعیتی قوانین نیز منعکس‌کننده وضع موجود است و در خدمت حقیقت که برای صیانت انسان لازم است، نخواهد بود. در چنین اوضاع و احوالی ... قوی بر ضعیف سیطره پیدا می‌کند و منافع شخصی بر مصلحت عمومی تسلط می‌یابد» (صدر، ۱۳۸۳: ۹۴). البته صدر بلافاصله تذکر می‌دهد که: «چنین جامعه‌ای جامعه‌ی سوسیالیست هم نیست، زیرا جامعه‌ای که بر اساس معیارهای سوسیالیستی بنا گردد، بُعد دیگری از وجود انسان یعنی آزادی و استقلال را به فراموشی می‌سپارد و فرد انسانی را، چونان اجزای مجموعه‌ی طبیعی، جزءِ بلااراده‌ای از مجموعه‌ی انسان‌ها می‌داند. در چنین حالتی تنها به مصالح آن مجموعه، بدون در نظر گرفتن خصلت‌های فردی، توجه می‌شود و فقط برای آن برنامه‌ریزی می‌گردد. در این صورت، جامعه از بسیاری امکانات و شایستگی‌های افراد خود محروم می‌ماند» (صدر، ۱۳۹۵: ۹۵).

ناگفته نماند که از دیدگاه صدر، تعریف و جداسازی مرزهای مصالح عمومی و خصلت‌های فردی، نیازمند تعریف کامل و همه‌جانبه‌ای از مفهوم حق است (صدر، ۱۳۹۵: ۹۶). ضرورت ارائه‌ی تعریفی کامل و همه‌جانبه‌ای از مفهوم «حق» از آن جهت مهم است که چنین تعریفی پایه و اساس تعریف و تبیین مفهوم «عدل» خواهد بود زیرا «پابرجایی وطن و وحدت امت و سلامت اجتماع اموری‌اند که تنها با عدل فراهم می‌شوند، چیزی که امروزه ایجاد فرصت مساوی برای همه‌ی شهروندان خوانده می‌شود. در غیر این صورت جامعه نابود می‌شود» (صدر، ۱۳۹۶: ۵/۱۳۷).

از نظر صدر، مفهوم و آرمان «عدالت» با آرمان دیگر بشر یعنی «آزادی» رابطه‌ای ناگسستگی دارد. لذا سیاست بی‌توجهی و نگاه داشتن مردم در جهل و بی‌سوادی و محروم کردن آنان از بهداشت و فرصت‌های تحرک و توسعه، از شکل‌های مختلف سلب آزادی و درهم‌کوباندن توانمندی انسان است (صدر، ۱۳۹۵: الف: ۲۰).

با این اوصاف، جامعه‌ی مدنظر صدر در تعامل فرد و جمع برای رسیدن به آرمان عدالت و آزادی می‌بایست هم‌زمان به مثابه‌ی یک کل هماهنگ باشد. هر نیازی که به هزینه‌ی نادیده‌انگاشتن دیگر نیازها تأمین و تقویت شود وزر و وبال خواهد شد. هر فرد یا گروهی که به بهای نادیده‌انگاشتن حقوق دیگران رشد کند، مصیبت خواهد آفرید (صدر، ۱۳۹۵: الف: ۲۲).

به عقیده‌ی صدر، در چنین جامعه‌ای اشتباه در اندیشه و عمل هر کدام دو خیانت در امانت در پی دارند: ارتکاب مستقیم فساد، و پایمال کردن فرصت دیگران و به هدر دادن اموال و حقوق عمومی. تفاوت گذاشتن به هر شکل و عنوانی که مطرح شود باعث تفرقه خواهد



شد (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۳).

بنابراین «شرط اساسی برای آنکه ما بتوانیم این اندیشه‌ها و رنگ‌ها و تجارب متنوع را در کنار هم جمع آوریم و از آن برای تعاون و همیاری بهره ببریم، همان توجه به اصل احترام متقابل در میان مردم است ... زیرا در هر کشوری که چنین اندیشه‌هایی نباشد، این امکان هست که از مسائلی اقلیمی و خانوادگی یا هر وسیله دیگری برای کشمکش و جدایی و نابودی بهره‌برداری کنند» (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۶۷).

صدر معتقد است که این اتحاد و همدلی در جامعه می‌بایست از طریق احترام و اعتماد واقعی به دست آید و نه با مصالحه و سازش. زیرا روند سازش طبعاً موجب غلبه یک طرف بر طرف دیگر می‌شود و برای آنکه بخواهند طرف غالب را ساکت کنند، باید حق و حقوق بیشتری به او بدهند و چنانچه طرف غالب بر حق نباشد، این کار خطرناک است. خطر دوم آن است که سازش‌ها دائماً میان سران و به ضرر مردم صورت می‌پذیرد (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۶۸) لذا از نظر سیاسی در چنین جوامعی می‌بایست دولت، نه دولتی دینی بلکه «دولتی آسمانی» باشد (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۸۲).

۳.۹. دولت آسمانی

صدر منظور خود را از دولت آسمانی چنین تشریح می‌کند که «اگر دولت نماینده اقلیت باشد، ظلم آشکاری در حق اکثریت روا داشته است و اگر نماینده اکثریت باشد، سرنوشت اقلیت چه خواهد شد؟ دولت نباید نماینده منافع اکثریت یا اقلیت باشد، بلکه باید از این فراتر برود یعنی به آسمان نزدیک شود و خود را بالاتر از حزب و گروه و فرقه‌ای خاص نگاه دارد» (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۸۲).

بدیهی است که منظور صدر از آسمانی بودن و دینی نبودن دولت در اینجا به معنای سکولار بودن دولت نیست، زیرا او دوگانه سکولاریسم و فرقه‌گرایی را قبول ندارد. او در این رابطه می‌گوید: «... من همه مجالس، فرقه‌ها و مذاهب و تجمع‌هایی را که به نام دین تشکیل می‌شود محترم می‌شمارم و در نظر من تدین غیر از فرقه‌گرایی است. در حال حاضر، سه شعار وجود دارد: سکولاریسم و فرقه‌گرایی و اعتدال دینی، که ما اعتدال دینی را تدین می‌نامیم» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۳۷۲). منظور از واژه و مفهوم دولت آسمانی دولتی است که در عین مخالفت نکردن با حضور دین در جامعه و سیاست، به هیچ‌یک از فرقه‌ها، مذاهب و ادیان به‌تنهایی متعلق نباشد و از هر یک از این گرایش‌ها سهمی متناسب داشته باشد.

به اعتقاد صدر، در چنین جامعه‌ای باید تفاوت‌ها را دید و آن‌ها را به‌عنوان امری مثبت پذیرفت زیرا گوناگونی تفکرات و فرهنگ‌ها، تعاون میان مردم را آسان می‌کند و وسیله‌ای



برای تحکیم ارتباط میان افراد کشور می‌گردد (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۶۹). نقطه شروع و عزیمت برای رسیدن به چنین جامعه‌ای با توجه به شرایط کشوری مانند لبنان، این است که برای رفع محرومیت‌ها، تبعیض‌ها و مشکلات مردم، برنامه‌ها و تلاش‌هایی کوتاه و میان‌مدت و عملی حول محور مفهوم خدمت به انسان اجرا شود. با این کار هم می‌توان حس ملی و هم حس دینی جامعه را اقناع کرد (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۲).

این کار با بسیج امکانات مشترک برای تحقق اهداف متنوع و مشترک شکل می‌گیرد و در حد خود دستاوردی است و وحدت‌بخش (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۹۴). صدر برای نمونه برخی از این اهداف مشترک را در سه حوزه شرعی، اجتماعی و ملی و در رابطه با همکاری مذاهب و ادیان موجود در لبنان چنین برمی‌شمرد: «اهداف شرعی محض: یکی کردن اعیاد و شعائر دینی و محتوای برخی از عبادات مانند اذان و نماز جماعت و غیره؛ اهداف اجتماعی: با تلاش مشترک می‌توان به مبارزه با بی‌سوادی و آوارگی پرداخت. سرپرستی ایتمام و ارتقای سطح زندگی زحمت‌کشان می‌تواند از دیگر اهداف مشترک ما باشد، و ایجاد مؤسسه‌های برای این اهداف والا و تقویت مؤسسات موجود از طریق حمایت و کمک‌کاری ساده و ممکن است؛ اهداف ملی: ... و وجوب مشارکت فعالانه برای آزادسازی فلسطین، و وجوب حمایت از لبنان در برابر مطامع دشمن جنایتکار، و وجوب حمایت از مقاومت مقدس فلسطین، ضرورت آمادگی و همکاری کامل با دولت‌های عربی برادر برای رویارویی با تجاوز احتمالی دشمن و تقویت جنوب لبنان به صورت خاص و اینکه سراسر لبنان به‌طور کلی باید همانند دژ باشد تا شاخ‌های اسرائیل در آن بشکند و مطامع استعمار در آن نابود گردد» (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۹۵).

صدر با توجه به روان‌شناسی جوامع انسانی و تأثیر عمل بر اندیشه، تماس سنت‌های مختلف دینی، مذهبی و فکری و فرهنگی را از راه انجام کارهای مشترک با اهداف مشترک، یکی از بهترین راه‌های آشنایی و گفتگوی این سنت‌ها با یکدیگر می‌داند و معتقد است اختلافات موجود از طریق همین «رفت‌آمدها و شناخت از هم و آزاداندیشی و همکاری برای وحدت» از بین خواهد رفت (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۷۳؛ صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۹۴).

۳. ۱۰. گفتگو و آزادی زمینه‌ساز وحدت

از نظر صدر، «آزادی» اصلی‌ترین عاملی است که زمینه آشنایی و گفتگوی فرهنگ‌ها و جوامع را فراهم می‌آورد، زیرا از نظر او «رأی و عقیده ثمره تفکر انسان و نتیجه بعد وجودی شریف و برتری وی است. اسلام رأی و اظهار نظر و عقیده را بزرگ و گرامی می‌دارد و کوشش می‌کند تا حریت و آزادی رأی و عقیده هماره حفظ شود» (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۹۲). صدر با ارائه تعریف عمل‌گرایانه‌ای از آزادی و فطری دانستن آن، این مفهوم را با مفهوم «صیانت از انسان» به‌عنوان



هدف مشترک کلیه ادیان و به تبع آن، مفهوم «وحدت» در شبکه و منظومه فکری خود جانمایی می‌کند: «آزادی یعنی به رسمیت شناختن کرامت انسان و خوش گمانی به انسان و حال آنکه نبود آزادی یعنی بدگمانی به انسان و کاستن از کرامت او. کسی می‌تواند آزادی را محدود کند که به فطرت انسانی کافر باشد. فطرتی که قرآن می‌فرماید: *فَطَرَتِ اللّٰهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فطرتی که پیامبر باطنی و درونی انسان است*» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۷).

به این ترتیب با فطری بودن آزادی و همچنین ایمان به خداوند، «آزاداندیشی و پذیرا بودن در مقابل دیگران کاملاً دینی است؛ هیچ دینی پیروانش را به کنار نهادن و حقیر شمردن دین دیگر فرانخوانده است. شکی نیست که «*الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللّٰهِ وَ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيْهِمْ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ*» (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۷۲).

حال با توجه به تعریف فوق از آزادی، صدر نتیجه می‌گیرد که: «آزادی برترین سازوکار برای بسیج کردن همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی است. هیچ کس نمی‌تواند در جامعه محروم از آزادی خدمت کند، توانایی‌هایش را پویا و موهبت‌های الهی را بالنده سازد. آزادی بهترین روش برای به کار گرفتن امکانات بشری در راه خدمت به جامعه است» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۲۷). البته او با اشاره‌ای کوتاه و ظریف بار دیگر آزادی را با مفهوم عدالت گره می‌زند: «آزادی فضا و حال و هوای مناسب برای رشد نیروها و ظهور استعدادهاى انسان» را فراهم می‌آورد به شرط آنکه «فرصت‌ها فراهم باشد» (صدر، ۱۳۹۵ الف: ۱۹). ضمن اینکه از دیدگاه صدر، آزادی علاوه بر نیاز به «فراهم بودن فرصت‌ها» و عدالت، برای آنکه به هرج و مرج، اختلاف و فرقه‌گرایی منتهی و منجر نگردد، نیازمند آن است که افراد، گروه‌ها و فرقه‌های مختلف در جامعه در قالب تشکیلات، در جهت رسیدن به اهداف مشترک تلاش کنند.

۳. ۱۱. تشکیلات حزبی و منافع ملی

صدر معتقد است که کار سازمانی و تشکیلاتی از برخورد نیروها با یکدیگر و هدر رفتن آن‌ها جلوگیری می‌کند و در نتیجه، دستاوردها را فزونی می‌بخشد. در چنین اوضاعی و با ادای وظایف شهروندی به شیوه‌ای درست هیچ مانعی در برابر مطالبه حقوق و احقاق این حقوق از سوی مقامات و دیگر شهروندان وجود نخواهد داشت (صدر، ۱۳۹۵ ب: ۳۵۷). از آنجا که همه‌شانزده مذهب اسلامی و مسیحی موجود در لبنان در به‌جا آوردن شعائر دینی و آموزش فرزندان و اداره اوقاف و مؤسسه‌ها و اداره امور دینی خود آزاد هستند، همه این مذاهب نیازمند مؤسسه‌ای مرکزی هستند تا این مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرد (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۲). از نظر صدر، هر کس گمان برد که وجود فرقه‌های مختلف در یک کشور و سازمان‌دهی



امور این فرقه‌ها سبب ضعف احساسات ملی خواهد شد، به این مسئله از دریچه‌ای تنگ نگریسته است؛ زیرا وجود فرقه‌های سازمان‌یافته مختلف، نقطه آغاز همکاری و گشوده شدن دریچه‌های تمدن به روی دستاوردهای میلیاردها انسان در این عصر و اعصار گذشته است. این فرقه‌ها تجارب خود را در عرصه ملی با یکدیگر تبادل می‌کنند و پیکره‌ای واحد را تشکیل می‌دهند و همبستگی ملی و انسانی را تقویت می‌نمایند (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۵۹). همچنین باتوجه به کمبود امکانات مالی دولت، این مؤسسه‌ها نقش مهمی در کمک به دولت دارند. آن‌ها می‌توانند در زمینه‌های اجتماعی و بهداشتی و فرهنگی به دولت کمک کنند (صدر، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

صدر با چنین مبنایی خود نیز در این راه گام برمی‌دارد و مجلس اعلای شیعیان را برای سامان‌دهی به امور شیعیان تأسیس می‌کند و در همین رابطه می‌گوید: «سازمان‌دهی به امور شیعه به ما امکان می‌دهد وضع موجود این فرقه را بهبود بخشیم و در بهبود وضع کشور فعالانه مشارکت جویم» (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۵۷). از نظر او، تشکیل مجلس اعلای شیعیان و تشکیلات مشابه، نه تنها موجب تشدید اختلافات فرقه‌ای نمی‌گردد بلکه صبغه دینی راز قدرت و کامیابی چنین تشکیلاتی است، چراکه گذر از منیت‌گرایی‌های زمینی و گرایش‌های خاص، قطعاً به تقریب و نزدیکی و سهولت همکاری سازنده منجر می‌شود (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۵۷).

به همین دلایل است که از نظر صدر «این همکاری ثمربخش، به‌طور مستقیم به منافع ملی خدمت می‌کند و میهن را از فروپاشی نجات می‌دهد و درعین حال، اعتماد متقابل برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان را از طریق اخلاقی افزایش می‌دهد» (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۵۸)؛ زیرا «ایمان به خدایی که از وصف و تعریف فراتر است و تلاش برای کسب خشنودی بی‌نهایت او، آرزوهای بلند ناگستنی‌ای در انسان پدید می‌آورد و او را به جنبشی وامی‌دارد که تا آخرین دم زندگی‌اش در خدمت به خلق خدا و طلب رضایت او ادامه می‌یابد» (صدر، ۱۳۹۵: ب: ۳۵۸).

۴. نتیجه

امام موسی صدر در چارچوب الگویی عملی و سازگار با شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای که متشکل از فرق و مذاهب مختلف بود، با طرح مفهوم ادیان در خدمت انسان به‌عنوان هدفی مشترک برای رسیدن به وحدت البته نه از راه پوشاندن اختلافات بلکه از طریق طرح آن‌ها در حوزه عمومی جامعه، ضمن درهم شکستن دو گانه فرقه‌گرایی و سکولاریسم، در راستای ایجاد جامعه‌ای منسجم و پیشرو و توسعه‌یافته حرکت کرد.



جامعه‌ای آزاد که در آن هریک از فرق و مذاهب ضمن پیگیری مطالبات خود در قالب تشکل‌های سیاسی در عرصه عمومی، همگی در جهت منافع ملی و همبستگی اجتماعی به سوی ایجاد یک جامعه عادلانه حرکت می‌کنند که در آن حقوق اقلیت و اکثریت رعایت می‌شود و مهم‌تر از همه اینکه چنین جامعه‌ای نه تنها سکولار نیست بلکه جامعه‌ای است دینی.

الگویی که صدر در لبنان ارائه می‌دهد امروزه با عنوان مردم‌سالاری مشورتی و شورایی^{۱۱} در جوامع مردم‌سالار در حال پیگیری و اجرا است و این خود نشانگر توفیق امام موسی صدر در ارائه الگویی پیشرو و درعین حال برخاسته از سنت اسلامی است. این ایده و الگویی تواند در جوامع اسلامی که از نظر مذهبی، دینی و قومی متنوع هستند به منظور ایجاد وحدت در سطح ملی و بین‌المللی، الگویی کارآمد باشد. به‌ویژه اینکه چنین الگویی علاوه بر جنبه‌های نظری، به صورت عملی نیز در شرایط سیاسی - اجتماعی کشوری مانند لبنان آزمون موفقیت را از سر گذرانده است. لذا، جا دارد که به‌ویژه در این روزهای بحرانی و حساس و شرایط به‌وجودآمده در جهان اسلام بیشتر و دقیق‌تر مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

کتابنامه

اباذری، عبدالرحیم. ۱۳۸۱. *امام موسی صدر امیک محرومان*. تهران: جوانه رشد.

اسدآبادی، سید جمال‌الدین. ۱۳۷۹. *مجموعه رسائل و مقالات*. به کوشش سید هادی خسروشاهی. تهران: کلبه شروق؛ قم: مرکز بررسی‌های اسلام.

انوشه، حسن. ۱۳۸۰. *دانشنامه ادب فارسی*. ج ۴. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی بهشتی، علیرضا. ۱۳۸۰. *بنیاد نظری سیاست در جوامع چندفرهنگی*. تهران: بقعه.

حلبی. علی اصغر. ۱۳۸۳. *زندگی و سفرهای سید جمال‌الدین اسدآبادی*. تهران: زوار.

خسروشاهی، سیدهادی. ۱۳۹۲. «احوال و افکار سیدجمال (مصاحبه)». قابل دسترس در: [http://www.cgie.org.ir/fa/news/910\[1392/11/8\]](http://www.cgie.org.ir/fa/news/910[1392/11/8])

شبییری زنجانی، احمد. ۱۳۹۶. «گزیده الکلام». قابل دسترس در: <http://zanjani.net/index.aspx?pid=398&articleid=76712> [۱۳۹۶/۸/۱۰]

صاحبی، محمدجواد. ۱۳۸۱. *سرچشمه‌های نواندیشی دینی؛ درآمدی بر تاریخ کلام جدید*. قم: احیاگران.

صدر، موسی. ۱۳۹۴. *مستدرک مسیره الامام السید موسی الصدر*. ترجمه احمد ناظم. قابل دسترس در: <http://www.imam-sadr.com>

۱۲. برای آگاهی بیشتر از این الگو برای نمونه رک: لیت (۱۳۷۹). همچنین برای بررسی‌ای تطبیقی در حوزه سیاسی - اسلامی برای نمونه رک: میراحمدی (۱۳۸۴).



- صدر، موسی. ۱۳۹۵ الف. ادیان در خدمت انسان: جستارهایی دربارهٔ دین و مسائل جهان امروز. ترجمهٔ گروه مترجمان. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی. ۱۳۹۵ ب. نای و نی. ترجمهٔ علی حجتی کرمانی. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی. ۱۳۹۶. مسیرهٔ الامام السید موسی الصدر. ترجمهٔ مهدی فرخیان. ج ۵. قابل دسترس در: <http://www.imam-sadr.com>
- صدر، محمد. ۱۳۹۶. «وحدت اسلامی و دوگانهٔ فرقه‌گرایی و سکولاریسم: تاریخچه و زمینه». فصلنامهٔ تحلیل انقلاب اسلامی. شمارهٔ ۷. زمستان ۹۶. صص ۹-۲۷.
- طباطبایی، سید جواد. ۱۳۸۹. «سید جمال‌الدین اسدآبادی». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۸. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کامل ظاهر، محمد. ۱۹۹۴. الصراع بين التيارين الديني والعلماني. بيروت: دارالبیرونی.
- لیت. مارتینف. ۱۳۷۹. «یورگن هابرماس و دموکراسی مشورتی». ترجمهٔ مهدی براتعلی‌پور. نامهٔ مفید. شمارهٔ ۲۴. صص ۳۶-۵۲.
- مجتبایی، فتح‌الله. ۱۳۸۹. «اسلام: اسلام در شبه‌قارهٔ هند». دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۸. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مزینانی، محمدصادق. ۱۳۷۵. «مبارزه با استعمار». در سیدجمال: جمال حوزه‌ها. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- میراحمدی، منصور. ۱۳۸۴. اسلام و دموکراسی مشورتی. تهران: نشر نی.
- هاردی، پی. ۱۳۶۹. مسلمانان هند بریتانیا. ترجمهٔ حسن لاهوتی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- هندی، سرسید احمدخان. ۱۳۳۴. تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان. ترجمهٔ محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: آفتاب.
- هیئت‌رئیس جنبش امل لبنان. ۱۳۹۳. سیره و سرگذشت امام موسی صدر. ترجمهٔ مهدی سرحدی. ج ۲. تهران: مؤسسهٔ فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.